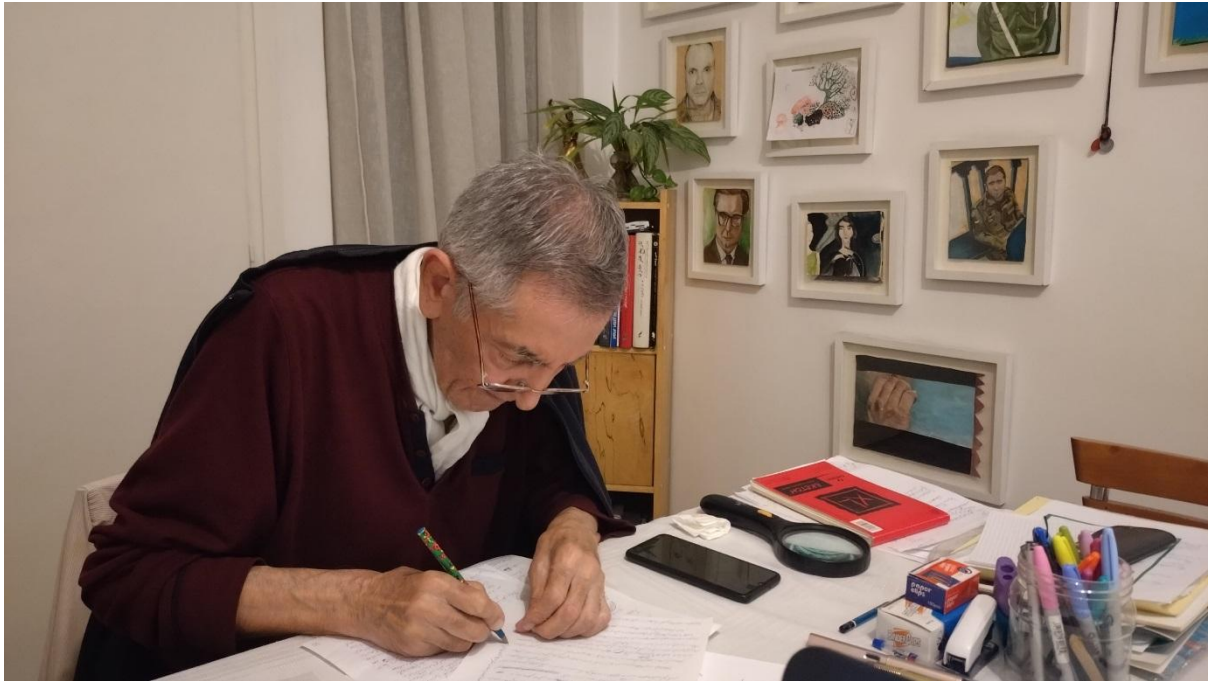




# گفتگوی مهندس حسین رایتی مقدم با نشریه مرمت،

انتشارات پژوهشکده میراث فرهنگی کشور، پاییز ۱۴۰۳



## قدری از سوابق آموزشی و چگونگی ورود به کار حرفه ای در میراث فرهنگی خود بگوئید؟

پس از پایان دوره کارشناسی ارشد معماری، در دانشگاه تهران و گذراندن خدمت وظیفه، حدود ۱/۵ سال در دفتر فنی استانداری خراسان کار کردم، که با کار آزاد طراحی و نظارت درآمد نسبتاً خوبی داشتم. با دیدن آگهی دعوت به همکاری در مرمت بناهای تاریخی از سوی "سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران" که از طریق مسابقه ورودی انجام می شد، با پذیرش در مسابقه ورودی، وارد دوره شش ماهه آموزش "فرهنگ، تمدن ایران و مرمت بناهای تاریخی" در آن سازمان شدم، که ماهی دوهزار تومان کمک هزینه زندگی و باصطلاح پول توجیبی می دادند. حضور در کلاسهای آموزش "فرهنگ، تمدن و مرمت بناهای تاریخی" و بهره مندی از دیدار و دریافت درسهای ۱۴ تن استادان یگانه و درجه اول هر درس، در طول شش ماهه دوم سال ۱۳۵۲، واقعاً فرصتی استثنائی بود و بنظر من یک خوشبختی بی مانند حرفه ای بشمار می رفت که به آسانی نصیب هر دوستار ارزشهای تاریخ و فرهنگ ایران زمین نمی شد.

۱۴ تن استادان و زمینه تدریس آنان عبارت بود از:

- ۱ زنده یاد دکتر عزت الله نگهبان، باستان شناس برجسته و استاد دانشگاه تهران، که فرازهایی از باستانشناسی ایران را می گفت.
- ۲ زنده یاد استاد سید محمد تقی مصطفوی باستان شناس برجسته و با تجربه. ایشان قرائت کتیبه های تاریخی و چگونگی نوشتن آنها را تدریس می کرد.

- ۳ زنده یاد دکتر پرویز ورجاوند، باستانشناس، گذشته از اینکه مدیر آن دوره شش ماهه بود، فرهنگ و هنر دوره اشکانی را ارائه می داد.
- ۴ زنده یاد دکتر علی اکبر سرفراز، باستان شناس سخت کوش و فدائی فرهنگ و تمدن ایران، که معروف بود ۱۸ سال از ۳۰ سال خدمت دولتی را در مأموریت های باستان شناسی گذرانده بود، ایشان فرهنگ و هنر دوران ساسانی را تدریس می کرد.
- ۵ زنده یاد مهندس محمد کریم پیرنیا، معاون فنی سازمان یاد شده، شخصیتی که در گذشته با اینکه دانشجوی برجسته ای در دانشکده هنرهای زیبا در دانشگاه تهران بود، در سال ۱۳۲۶، در اعتراض به شیوه آموزش معماری، که بدون کوچکترین توجه به معماری تاریخی ایران و نیز بخاطر مشکلی که با آندره گذار، رئیس دانشکده پیش آمده بود، دانشکده معماری را رها کرد و به درون جامعه معماری ایرانی که با تمام جنبه های آن، در سراسر کشور، در جریان بود، رفت و رازها، رمزها، شیوه های طراحی و اجرای عناصر و جزئیات معماری ایران را با تلاش های بی وقفه و ترفند های ویژه و صمیمانه، از معماران و استاد کاران بدست آورد.<sup>۱</sup>
- مهندس پیرنیا با تسلط به وجوه گوناگون معماری ایرانی و با حافظه شگفت انگیز، موارد زیر را تدریس می کرد:
- تاریخ معماری ایران و فرازهایی از تاریخ معماری جهان.
  - معرفی بناها و شهرهای تاریخی ایران.
  - سبک شناسی معماری ایران.
  - گونه شناسی معماری ایران.
  - فن شناسی طراحی و اجرای معماری ایران و جایگاه "گز" و "پیمون" در طراحی بناهای تاریخی.
  - ارائه نام و عنوان پدیده های گوناگون معماری ایرانی، عناصر و جزئیات و نقاط مهم آنها، آنگونه که در "بناخانه" (جامعه معماران و استادکاران) معماری ایران گفته می شد و مصطلح بود.<sup>۲</sup>
  - شناخت معماران و استادکاران نامدار معماری ایران در تاریخ معماری و دوران معاصر.
  - تسلط به ادبیات فارسی و قرآن کریم و ارائه شواهدی از این مراجع در موارد مربوط به بناها و شهرهای تاریخی.
- ۶ زنده یاد دکتر رضا کسائی، استاد مرمت در دانشگاه ملی (شهید بهشتی کنونی) ایشان همکار دکتر سن پائولزی ایتالیائی، در تهیه طرح و اجرای مرمت در برخی بناهای تاریخی ایران، از جمله در مرمت گنبد سلطانیه زنجان و ... بود.
- ۷ دکتر محمد منصور فلامکی، استاد دانشکده معماری در دانشگاه تهران، تاریخ مرمت در جهان، اصول و مبانی مرمت بناهای تاریخی و منشورها و کنوانسیون های مرتبط را تدریس می کرد.
- ۸ مهندس علی اکبر سعیدی، همکار دیرین و یار نزدیک، در تمام طول خدمت مهندس پیرنیا در سازمان ملی یاد شده، استحکام بخشی بناهای تاریخی را تدریس می کرد.
- ۹ دکتر اشراق، دانش آموخته معماری دانشگاه تهران و دانشگاه ام.آی.تی، در امریکا، پرسپکتیو تدریس می کرد.
- ۱۰ زنده یاد محمد خرم آبادی، اهمیت حریم بناهای تاریخی و حریم گزاری آنها را ارائه می داد.
- ۱۱ زنده یاد استاد کرامت الله افسر، جغرافیای تاریخی ایران را می گفت.
- ۱۲ زنده یاد نصرت الله مشکوتی، باستانشناس پیشکسوت و نویسنده اولین کتاب راهنمای آثار تاریخی ایران، برخی اقدامات حفاظتی و مرمتی در قرن اخیر (قرن ۱۴ شمسی) از جمله مرمت در گنبد قابوس را ارائه می داد.

<sup>۱</sup> ورود به فضای طراحی و اجرای عناصر و جزئیات معماری ایرانی، در طول تاریخ به سادگی امکان پذیر نبود. تلاش، ابراز صمیمیت، از خود گذشتگی و عشق نسبت به کار و استاد را می طلبد تا بتدریج رازها و رمزهای کارها را بدست آورد. توضیح بیشتر این موضوع نیاز به فرصت مناسبی دارد.

<sup>۲</sup> شنیده بودم که بخاطر یزدی بودن استاد پیرنیا و اینکه ایشان بیشتر با معماران و استادکاران معماری ایران، در یزد تماس داشت، برخی همکاران می گفتند نامها و اصطلاحاتی را بکار می برد و ارائه می دهد متعلق به معماری یزد است، نه متعلق به سراسر سرزمینمان. در این باره موردی که در شیراز پیش آمد و عیناً مطابق اصطلاحی بیان شده از سوی استاد پیرنیا، جالب بود. موضوع از این قرار بود، که در مسجد شهدای شیراز (مسجد نو) در رواق پیرامونی به یکی از دهانه ها برخوردیم که در دست مرمت و باز سازی بود. دهانه دارای پلان مستطیل بود. برای اجرای پوشش عرقچین آن لازم بود در دو سمت بلند فضا، نوار طاق اجرا شود تا یک فضای مربع، برای اجرای عرقچین فراهم گردد. استاد بنا آن دوبار که را "طاق زیر هفتی" می نامید. مهندس پیرنیا پیش از آن اصطلاح "اوهفتن" را به معنی پوشاندن، که در لهجه یزدی و در معماری یزد، در نام (قوس پنجه هفت) کاربرد دارد، بیان کرده بود.

۱۳ زنده یاد معمار محمودی، استاد معماری سنتی، با لهجه شیرین یزدی، یک بار الاغ آجر نیمه، گچ و مقداری نی (چگن)، در مقابل درب ورودی به زیر زمین سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، در خیابان لارستان، خالی کرد و در کف زیر زمین شیوه ترسیم نیمه یک دور (قوس) ایرانی و تهیه قالب آن را انجام داد و مراحل مختلف ساخت و نصب آنرا به ما آموخت.

۱۴ آقای درخشان، شخصیتی که در سازمان ملی یاد شده مسئولیت اداری و مالی بالائی داشت، بودجه بندی و نیز مکاتبات اداری را تدریس کرد.

در ماه سوم دوره آموزشی، در آذر ماه، بازدید از آثار تاریخی ۴ استان یزد، کرمان، فارس، اصفهان در برنامه بود، که با هدایت استاد پیرنیا، این بازدیدهای ویژه، استثنایی و شورانگیز انجام گردید. در هر استان پس از بازدید آثار تاریخی مرکز استان و در یافت توضیحات استاد پیرنیا، به شهرستانها می رفتیم و تقریباً آثار تاریخی مهم در تمام استان بازدید و بررسی می شد. استاد پیرنیا تمام زمینه های مورد نیاز معرفی و شناخت بناها، شامل میراث غیر منقول، میراث منقول، میراث معنوی و میراث زنده، معماران، استادکاران و هنرمندان مربوط را توضیح می داد و در صورت لزوم ترسیمات روشن کننده ای را در کلاسورهای همراه ما ترسیم می کرد.

بنده از این سفر یک ماهه، دو کلاسور اطلاعات نوشتاری و ترسیمی و با تعداد زیادی ترسیمات مهندس پیرنیا، به همراه، به تهران آوردم که یادگار این سفر و گنجینه ای از اطلاعات بود.<sup>۳</sup>

بیاد دارم در سفر استان فارس، در مینی بوسی که مارا از شیراز به تخت جمشید می برد صحبت عنوان "طاق کسری"، "ایوان کسری" یا "ایوان کرخه" بود. استاد پیرنیا توضیح داد که "ایوان" در معماری ایران جایگاه کاربردی ویژه ای دارد، هنگامی که در طرح کاخها به چنان عظمتی می رسد که دیگر عناصر را به درجه دوم می راند، نام کاخ مربوطه را هم به ایوان تبدیل می کند: "ایوان مدائن"، "ایوان کرخه" و شاهد این موضوع را از شاهنامه فردوسی و تراژدی بی مانند رستم و اسفندیار اینگونه آورد که پس از بحث و گفتگوی بی نتیجه رستم و اسفندیار، قرار نبرد تن به تن فردا گذارده می شود، که فردوسی این دو بیت را از زبان اسفندیار، در باره نتیجه جنگ بیان می کند:

ببینم تا اسب اسفندیار سوی آخور آید همی بی سوار

و یا باره رستم جنگ جوی به ایوان نهد بی خداوند روی

که منظور از ایوان در واقع کاخ است و در بیت دوم فردوسی، بقول ادبا و شاهنامه شناسان سخن را به آسمان علیین می رساند. نکته جالب دیگری که در استان فارس پیش آمد، در فیروزآباد و در شهر گور بود. مهندس پیرنیا پس از توضیحات و معرفی شهر گور، مارا به آثار بنایی فرو ریخته، با انبوه سنگ های پراکنده از نوع سنگ های بناهای ساسانی و نیز سنگ های تراش مکعب مستطیلی، هدایت کرد که آثار گنبد خانه، ایوان مقابل آن و گودال بزرگ مقابل ایوان، که آبنما (برکه) بوده، قابل شناسایی بود. مهندس پیرنیا، اثر را توضیح داد و گفت این کاخ اردشیر سوسلسله ساسانی است. در بنای گنبد، در نمای زیر آن، نقش آسمان را با کاشیهای رنگی بوجود آورده بودند. آثار کاشی ها در پیرامون پراکنده است. بروید جستجو کنید.

ما پیرنیا را دوست داشتیم و گاهی از اطلاعات و توصیف او در برخی موارد احساس اغراق می کردیم. بعد ها دیدیم که جزئی از ارشهای این سرزمین را هم فرصت نبوده به ما بگوید. ما چند نفر بودیم. در پیرامون جستجو کردیم و ۳ صندوق (چوبی میوه) کاشی های با رنگ های گوناگون را یافتیم و بعداً تحویل دفتر فنی فارس در شیراز دادیم. سه قطعه از آنها را من به تهران آوردم. این کاشی ها تا بازنشستگی بنده در دفتر اداره کل بناها و محوطه های تاریخی در مسعودیه نگهداری شده بود.

### از حال و هوای مرمت بناهای تاریخی در قرن اخیر بگوئید، حفاظت و مرمت چه مسیری را پیمود؟

مرمت بناهای تاریخی بصورت اختصاصی و تخصصی از سال ۱۳۴۴، با تأسیس "سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران" آغاز گردید و دفاتر فنی این سازمان در مراکز استانهای اصفهان، خراسان، تهران، آذربایجان، فارس و ... تشکیل شد. در برخی موارد چند استان با یک مدیریت اداره می شد، مانند استانهای یزد و کرمان، همچنین سه استان خوزستان، لرستان و مرکزی. دفتر فنی استان فارس نیز، کارهای استانهای بوشهر و کهگیلویه و بویراحمد را انجام می داد. پیش از آن مرمت بناهای تاریخی از طریق اداره کل عتیقات (باستان شناسی) و اوقاف انجام می شد.

<sup>۳</sup> با نهایت تأسف و دریغ این دو جلد، به همراه کتابخانه تخصصی بنده، در موشک باران تهران، در اسفند ماه سال ۱۳۶۷ تماماً سوخت.

در سازمان ملی یاد شده و شورای فنی آن، کارشناسان و شخصیت‌های برجسته‌ای از معماران (آرشیست‌ها)، باستان‌شناسان و پژوهشگران فرهنگ و هنر ایران حضور داشتند، از جمله مهندس محسن فروغی و مهندس هوشنگ سیحون که استادان و رؤسای دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران بودند، محمد تقی مصطفوی باستان‌شناس برجسته، مهندس رضا کسائی استاد دانشگاه ملی (شهید بهشتی کنونی)، مهندس محمد کریم پیرنیا، که پیش از آن در وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش بعدی)، با طرح‌های ویژه و نوآورانه و فوق‌العاده اقتصادی و صرفه‌جویانه، مدرسه‌های پرشماری می‌ساخت و به سازمان ملی منتقل شده بود و تعداد دیگری از متخصصان برجسته کشور.

مهندس فروغی رئیس بخش فنی بود و مهندس پیرنیا معاون ایشان و در عمل همه کاره فنی. از مسئولان دفتر فنی، تاجائی که بنده بیاد می‌آورم، در اصفهان مهندس باقر آیت‌الله زاده شیرازی، در خراسان و مهندس یعقوب دانشدوست و در یزد و کرمان مهندس غلام عباس فتح‌نظریان، رئیس‌ان این دفتر فنی بودند. اطلاعات بنده درباره تشکیلات و ساختار دفتر فنی که حفاظت و مرمت بناهای تاریخی را انجام می‌دادند، بخاطر حضور در دفتر فنی خراسان، در مشهد، از دیگر استانها بیشتر بود.

مهندس دانشدوست در طول زمان و بتدریج اعضاء اداری دفتر فنی و نیز معماران و استاد کارانی را که در کلیه زمینه‌های مورد نیاز، کارهای مرمت بناهای تاریخی را انجام می‌دادند، گردآوری کرده بود. بنده که در سال ۱۳۵۳، بترتیبی که قبلاً گفته شد، وارد دفتر فنی خراسان شده بودم، با گروهی اداری و کارگاهی باتجربه و باصطلاح کاربلد مواجه شدم.

تقریباً در تمام رشته‌های کارمعماری و مرمت بناهای تاریخی، استادکاران برجسته و درجه اول حضور داشتند. تعدادی بنای طاق و گنبدزن، گچکار، گچبر، و نیز تخصص‌های اجرای انواع کاربندی‌ها و مقرنسکاری‌ها، کاشی‌کاران معرق و ... کاشی‌پزخانه‌ای که امکان تهیه انواع کاشی‌ها را داشت. نجارخانه‌ای که کلیه کارهای چوبی مورد نیاز را انجام می‌داد. حجارانی که توان انجام ظریف‌ترین حجاری‌ها را داشتند. اجراکنندگان و استادان دیگر خدمات مورد نیاز وهمچنین سلسله مراتب زیردست این استادکاران نیز طبیعتاً وجود داشت و نیز معمار و سرمعماری که در همه زمینه‌ها توانا و صاحب نظر بودند.

حُسن بزرگ و خیلی مهم کارهای مرمتی در آن هنگام انجام اصولی و درست مرمت‌ها و در موارد لازم بازپیرائی و بازسازیها این بود که، کارها بصورت "امانی" انجام می‌شد و نه "پیمانکاری" که در موارد فراوان، بخاطر طبیعت این شیوه اجرا، و برخی شرایط اخلاقی و اجتماعی، آسیب‌رسان به بناهای تاریخی است، که نیاز به رفتاری آرام و غیر شتابزده دارند، درکار مرمت جایگاه نداشت و نیروهای اجرائی که با دستورات و نظارت‌های جاری کوشش می‌کردند کارهای خود را به بهترین وجه انجام دهند، سربرج حقوقشان را دریافت می‌کردند.

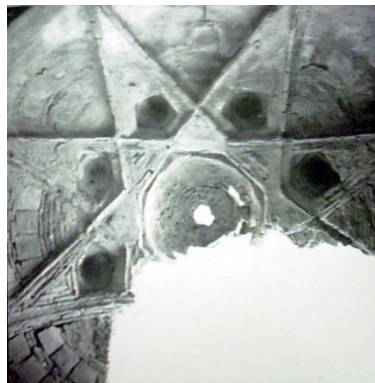
برنامه‌های سالانه بناهای مورد نیاز مرمت و حفاظت، براساس اولویت‌های گوناگون، بصورت توصیفی، همراه نقشه و عکس و برآورد هزینه تهیه و جهت بررسی، در صورت لزوم اظهار نظر و نهایتاً تصویب و ابلاغ رسمی، که بمنزله مجوز مداخله و مرمت بود، به شورای فنی ستاد سازمان، در تهران ارسال می‌شد.

برخی اولویت‌ها بقرار زیر بود:

- آثار دارای ارزشهای تاریخی و هنری ویژه، مانند رباط شرف، نزدیک سرخس (دوران سلجوقی)، مدرسه غیاثیه خرگرد، در نزدیکی خواف (دوران تیموری و شاهکار قوام الدین شیرازی و برادر یا پسرش غیاث الدین شیرازی، معماران سلطنتی این دوران که با ترفند جالب، حس پرسپکتیو را در منظرهای داخلی این اثر کاهش و حس تعادل بیشتر به این منظرها داده است) و ...
- بناهای ارزشمندی که در معرض انواع مخاطرات بودند،
- درخواست مسئولان محل برای مرمت آثار مورد نظر مانند مجموعه بناهای شیخ احمد جامی در تربت جام (دوران سلجوقی، ایلخانی، تیموری)، مسجد جامع گناباد، (دوران خوارزمشاهی و آثاری احتمالاً از دوران سلجوقی)، ...
- تعداد فراوانی آثار ارزشمند، پراکنده در شهرها و بین شهری در خراسان (پیش از تقسیم خراسان به سه استان)، مانند مدرسه دودر، در مشهد، مجاور مجموعه حرم مطهر رضوی (دوران ایلخانی، تیموری، صفوی و قاجار) آئینه‌خانه و بیمارستان مفخم (دوران قاجاری) در بجنورد، مسجد جامع قاین (دوران ایلخانی و ...) و ...

در همین جا مناسب است اظهار نظر دکتر شیرازی، که بهترین کارهای مرمتی را، در اصفهان انجام داده بود، در مورد مرمت‌های خراسان یادآوری شود که یک بار، به مناسبتی گفت مرمت بناها در خراسان بهترین کارهای مرمتی در کشور است، چون دانشدوست بداخلاق (جدی) است و نیروهای اجرایی از او حساب می‌برند (نقل حتی الامکان بضمون).

در مورد مرمت بناهای تاریخی، مرور یک مورد مرمت، که استادی معمار، از تبار معماران بزرگ تاریخ معماری ایران نیز حضور اجرایی داشت، بی‌مناسبت بنظر نمی‌رسد. موضوع استحکام بخشی، مرمت و بازسازی بخش فروریخته فضای زیبای مهرباب مسجد جامع آفین، در یک روستا، در شهرستان قاین است. این مسجد یک ایوانی کوچک، متعلق به دوران ایلخانی، با معماری مجلل و گچبری های عالی، و بشدت آسیب دیده است. یک سوم پوشش فضای محراب، بصورت کاربندی، اجرا شده با تویزه های آجری متقاطع، که نقش ستاره ایرانی هشت ضلعی بسیار ظریفی را در بالا بوجود می‌آوردند، فروریخته و بخش باقی مانده متزلزل و در معرض سقوط بود. پس از آماده سازی کامل کارگاه برای آغاز عملیات اجرایی، بنده برای همکاری دست به مصالح زدم. برای یک آجر چینی ساده در پای کار.



پلان معکوس فضای محراب مسجد جامع آفین پیش از مرمت - سال ۱۳۵۴ - عکس از مهندس حسین رایتی مقدم



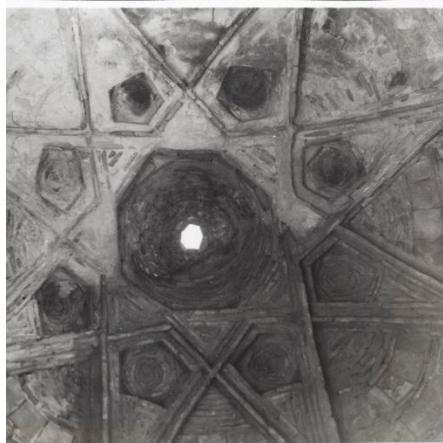
استاد شکرالله خوش دست، یکی از معماران سنتی بزرگ کشورمان در حال مرمت و بازسازی بخش فرو ریخته محراب مسجد جامع آفین - ۱۳۵۴ - عکس از حسین رایتی مقدم



استاد شکرالله خوش دست، یکی از معماران سنتی بزرگ کشورمان در حال مرمت و بازسازی بخش فرو ریخته محراب مسجد جامع افین - ۱۳۵۴ - عکس از حسین رایتی مقدم



استاد معمارحسین تقوایی درحال همکاری و مهندسی حسین رایتی مقدم درحال نوشتن گزارش -۱۳۵۴- عکس از آقای نصراللهی



پوشش فضای محراب مسجد جامع افین پس از بازسازی و مرمت - سال ۱۳۵۴ - عکس از مهندس حسین رایتی مقدم

این کار من به شدت، به استاد معمار شکرالله خوشدست سرمعمار بازنشسته آستان قدس رضوی در مشهد، که بعنوان سرپرست اجرا حضور داشت، به اصطلاح، برخورد. او که دستور کارهای لازم را می داد گفت، مهندس دست به کار شود و من کنار باشم؟<sup>۴</sup> بلافاصله دست ها را بالا زد و اجرای کار فوق العاده حساس و ظریف قالب بندی و اجرای تویزه های آجری متقاطع را، با نهایت مهارت و سرعت انجام داد. بطوریکه یک معمار جوان، یک بنا و کارگران زیر دست بزحمت مصالحی را که ضمن کار درخواست می کرد بدستش می رساندند. پس از پایان باسازی تویزه های فرو ریخته و ایجاد انسجام و استحکام در ساختار اصلی پوشش، کنار کشید و گفت حدفاصل تویزه ها را آجرچینی کنید. استاد خوشدست سوگند خورد که پس از ۳۵ سال دست به گچ زدم، چون در آستان قدس، کار آن زنده یاد عزیز طراحی و نظارت بر اجرای کارهای فراوان در آن مجموعه بزرگ بود. از جمله کارهای او در مجموعه بناهای آستان قدس رضوی در مشهد، برج ساعت، برفراز طاق ورودی، از غرب به صحن عتیق (صحن انقلاب) و نیز نقاره خانه در بالای طاق ورودی به این صحن از شرق است. روحش شاد.

**پروژه های مشترک با کارشناسان سایر کشور ها چگونه بود. بهتر بگوییم آیا یک داد و ستد علمی، فنی و یا تجربی در کشور صورت می گرفته است؟**

<sup>۴</sup> استادکاران و معماران، اساساً نیروهای اجرایی برای ما جوانان، که عنوان "مهندس" داشتیم، بناحق و بیش از دانش محدودی که در زمینه معماری تاریخی داشتیم حرمت قائل بودند.



در سالهای پیش از انقلاب ارتباط سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران با نهاد های مرمت در ایتالیا، آلمان، فرانسه، سوئیس و... برقرار بود. هیأت هایی از این کشورها در ایران به کار مرمت برخی آثار ارزشمند و ضمناً آموزش کارشناسان ایرانی مشغول بودند. در مرمت بناهای تاریخی اصفهان تعدادی از همکاران جوان از دفاتر فنی استانها، نزد ایتالیائی ها و زیر نظر آنها مرمت آثار بدنه بناهای تاریخی را آموزش می دیدند و انجام می دادند. کارشناسی که از خراسان به اصفهان اعزام شده و چند سال آموزش دیده بود، زنده یاد بهروز عموغلی بود، که بعداً در خراسان مرمت های فوق العاده قابل توجه و ارزشمندی را انجام داد، از جمله استحکام بخشی و تثبیت کتیبه های گچبری در رباط شرف و...

یک هیأت ایتالیائی در قزوین، در سلطانیه و در ساوه نیز کارهای حفاظتی و مرمتی قابل توجهی انجام داد. بخاطر عدم آشنائی اساسی برخی کارشناسان خارجی با بناهای تاریخی ایران، اتفاقات نامناسبی هم، البته به ندرت، پیش آمده بود.

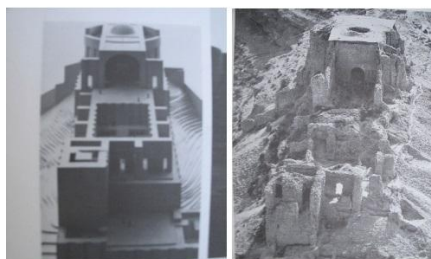
بطوریکه استاد پیر نیا یکبار تعریف کرد، برای حفاظت یک دور (قوس) و جلوگیری از فرو ریختن آن، شمع چوبی را زیر تیزه طاق که می توانست مخرب باشد، (بنظرم در مسجد جامع ساوه؟) اجرا شده، دیده بود، که با تحلیل عملکرد قوس ایرانی، شمع چوبی به سطح جانبی آن جابجا شد. یک مورد جالب نیز در مسجد جامع قزوین پیش آمده بود که موضوع را باید استاد مهندس مجابی، که حاضر در محل بودند، توضیح دهند.

مرمتگران ایتالیائی در تخت جمشید نیز سالها همکاری داشتند که آقای دکتر حسن راهساز، همکار نزدیک مهندس تیلیا (ایتالیایی) می تواند به تفضیل کارهای ایتالیائی ها در محوطه تخت جمشید، پاسارگاد و ... را توضیح دهد.

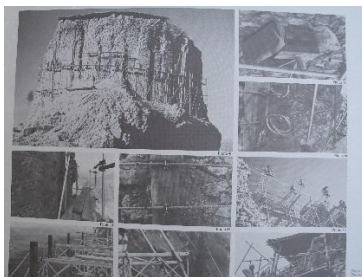
یک هیأت سوئیسی با سرپرستی پروفسور هانس هوگی استاد دانشکده پلی تکنیک زوریخ در سوئیس و آقای دکتر هوف باستان شناس برجسته آلمانی، پروژه بزرگ بررسی، شناخت، استحکام بخشی، مرمت و احیاء قلعه دختر فیروز آباد فارس، این اثر متعلق به دوران اشکانی، با نهایت دقت نظر و در چهارچوب اصول و مبانی حفاظت، مرمت و احیاء انجام دادند و تحویل پروژه درست با ایام انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ مصادف شد.

پروفسور هوگی قبلاً در کتابی با قطع A3، طرح و گزارش مقدماتی بسیار جالبی را بزبان فرانسه ارائه داد که با اصلاحات فوق العاده جالب و منطقی، در ایران، در شورای فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، تصویب شد. این طرح مقدماتی درواقع "آوان پروژه" مربوط به قلعه دختر و آتشکده (به اعتقاد برخی همکاران ارجمند باستان شناس که آتشکده را کاخ اردشیر می دانند) بود. اصل این کتاب و ترجمه فارسی آن در کتابخانه مرکز اسناد پژوهشگاه وجود دارد. پروفسور هوگی متعاقباً طرح روشن، خوانا و دقیق اجرائی پروژه را در حدود ۸۰ برگ بزرگ (A1?)، با جزئیات کامل، در بسته بندی های زیبا، در چند نسخه ارسال کرد، که این نقشه ها نیز در دسترس است. مطالعه و بررسی این مدارک را به مرمتگران، بویژه همکاران گرامی جوان می توان توصیه کرد. همچنین ماکت بسیار زیبایی از طرح نهائی که بایستی اجرا می شد و بایستی با همت بلند مسئولان ذیربط، اجرا شود، ارائه داد.

این طرح، همانگونه که عرض شد یکی از کامل ترین، دقیق ترین و موفق ترین پروژه های بزرگ حفاظتی در کشورمان است که تا آن زمان برای یک بنای تاریخی ارائه شده بود. از عناصر حفاظت موقت و در واقع عنصر رفع خطر موقت در این بنا برپائی یک کمر بند ایمنی بزرگ، با عناصر کابلی است که در چند ردیف پشت برج مانند نیم دایره اثر را بخوبی دربرگرفته و مهار کرده و برای سمت جلو و نمای اصلی که ایوان مقابل گنبد خانه است، برای تأمین سطح اتکا، کمر بند که بایستی دایره وار عمل کند، جابجا، در نقاط مختلف، عناصر فلزی داربستی افقی نصب شده بود تا شکل دایره مانند بستر کمر بند فراهم و ایستائی و ایمنی مناسبی در برابر حرکت های جانبی اثر، آنهم در ارتفاع با شیب های تند و مخاطره آمیز بستر، بخشیده شود. این کمر بند در زلزله نسبتاً شدید (دهه ۷۰؟) آسیب دید. استادکاران متخصص برپائی انواع داربست در تخت جمشید، با سرپرستی و هدایت همکار عزیزمان دکتر راهساز، کمر بند را اصلاح کردند.



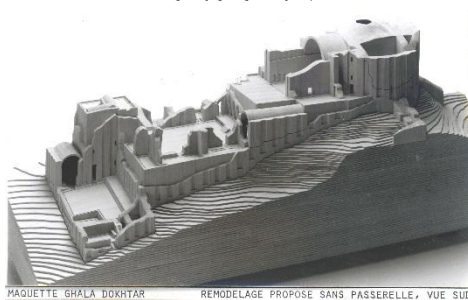
تصویر وضع موجود قلعه دختر (سمت راست) - ماکت پیشنهادی بازسازی مرحله مقدماتی (سمت چپ)



نمایی از کمر بند حفاظتی موقت قلعه دختر در جریان مطالعه و رفع خطر - فیروز آباد فارس



ماکت پیشنهادی مشاور هانس هوگی و همکاران که در شورا فنی سازمان ملی حفاظت از آثار باستانی ایران (کارفرما) مورد بررسی و اظهار نظر قرار گرفت



وضعیت نهایی قلعه دختر، پس از پایان عملیات اجرایی، براساس رهنمود های شورای فنی سازمان ملی حفاظت از آثار باستانی ایران وقتی سخن از قلعه دختر و طبعاً آتشکده و شهر گور، در فیروز آباد فارس مطرح می شود، بیاد همکار بسیار عزیز، توانا و فروتنان می افتیم که او و همکاران زیر دستش خدمات شایانی در مرمت و حفاظت از آثار یاد شده بعمل آورده اند. یعنی استاد اعظم کاظمی، معمار و متخصص برجسته اجرا در مرمت بناهای دوران ساسانی، که گذشته از مرمتهایی که در دوره های مختلف، در بناهای استان فارس، بویژه در فیروز آباد انجام داده، بازسازی ایوان بزرگ آتشکده فیروزآباد، در برابر پرکه مقابل آن است و همچنین لازم است به مورد جالبی اشاره کنم که در دوران جنگ تحمیلی پیش آمد.

### **اشاره درست و مهمی خواهد بود آگاهی از امور حفاظت و مرمت، بویژه در شرایط حساسی چون جنگ تحمیلی؟**

می دانیم لرستان سرزمین پلهای عظیم و غول آسا است که آثار آنها، از دوران هخامنشی تا قرون اولیه اسلامی بررسی شده است.<sup>۵</sup> یکی از این پلها، "پل دختر" است که زنده یاد مهندس مهریار این اثر را پژوهش کرده و مقاله جالبی در این مورد، در مجله اثر بچاپ رسانیده است. سیلهای وحشی رودخانه سیمره، در طول تاریخ تقریباً تمام پل را با دهانه های بزرگ آن ویران کرده است. تنها دهانه کوچک آن باقی مانده که شاهراه ارتباط کشور با خوزستان از زیر این دهانه می گذرد. این کوچکترین دهانه پل دختر که بر فراز جاده، مانند طاق نصرت بزرگ و شکوهمندی جلوه گر است، بخاطر آسیب های طبیعی و سست شدن مواد و مصالح نماها، مرتباً قطعاتی از آن رها شده و فرومی ریخت و خطراتی را برای وسایط نقلیه بوجود می آورد و در دوران جنگ، که تغذیه جبهه های جنوب و جنوب غربی کشورمان از این طریق انجام می شد، مسئولان مربوطه برای رفع خطر و ایجاد ایمنی، صحبت تخریب این دهانه را آغاز کرده بودند. میراث فرهنگی بلافاصله اعلام مرمت و رفع خطر از این دهانه باقی مانده پل دختر را نمود.

ایجاد زیرپای مورد نیاز با برپائی داربست، مزاحمت فراوانی برای عبور و مرور از زیر دهانه را ایجاد می کرد. با پیشنهاد دکتر شیرازی و انجام محاسبات فنی مربوطه بوسیله مهندس سعیدی، داربستی معلق در بالا طراحی و با مسئولیت استاد مهندس محب علی عزیز،

<sup>۵</sup> رساله باستان شناس عزیز آقای پرویز، که این پلها و مداخلات انجام شده در آنها را در طول تاریخ، پژوهش و بررسی کرده است.



معاون حفظ و احیاء - که همینجا عرض کنم بی پروا ترین شخصیت در حفاظت از آثار تاریخی کشورمان بود و هست، و آرزومندم که حضورش در فضای حفاظت از میراث فرهنگی دراز بماند- و با نظارت همکار ارجمندمان دکتر نیکروز میرهن شفیعی، مسئول میراث استان، داربست اجرا گردید و کارهای اجرائی تثبیت و استحکام بخشی قسمتهای خطری، سست و رها شده نماهای این دهانه، بدست استاد اعظم کاظمی و همکارانش انجام شد.

### **با گسترش توجه به میراث فرهنگی، در سالهای پس از انقلاب، جایگاه آموزش کارشناسان تازه وارد به حوزه میراث فرهنگی چگونه بود؟**

پس از انقلاب، بویژه با پدید آمدن سازمان میراث فرهنگی، امکانات برای مرمت بناها و محوطه های تاریخی گسترش یافت و بموازات آن چالش هایی نیز بوجود آمد. با افزایش تعداد استانها، واحد های میراث فرهنگی بصورت اداره کل نیز در همه استانها تأسیس گردید.

با تعریف عنوان "پروژه های بزرگ" برای حفاظت آثار فوق العاده مهم و گسترده، زمینه ایجاد پایگاه های میراث فرهنگی فراهم شد. با توجه به نیاز به شناخت و آنگاه مرمت بناها، محوطه ها و بافت های تاریخی، به دست کارشناسان تربیت شده، "مرکز آموزش عالی میراث فرهنگی" در همه رشته های مربوط به میراث فرهنگی، بوجود آمد. در دوران سی سال حضور این مرکز (از سال ۱۳۶۷-۸ تا ۱۳۹۸) و فعالیت آن، تعدادی کارشناسان برجسته تربیت شدند که برخی از آنها کارهای پژوهشی، حفاظتی و مرمتی شایسته ای به انجام رسانیدند یا مسئولیت های مهمی را عهده دار شدند.

با تأسف و دریغ، این نهاد آموزشی کارآمد، منحل و از جریان آموزشی کشور خارج گردید. به عقیده همکاران مطلع، علی رغم قوانین ذریبط، این مرکز می توانست به حضور و فعالیت خود همچنان ادامه دهد.

### **تشکیلات میراث فرهنگی در حدود نیم قرن اخیر با چه چالشهایی مواجه بود؟**

چالش های کارشناسی، مدیریتی و اجرائی در حفاظت از بناها، محوطه ها و بافت های تاریخی برای سازمان ملی قبلی و سازمان میراث فرهنگی، در راه انجام تکالیف قانونی خود، همواره وجود داشت و در برخی موارد بشدت اوج می گرفت، از جمله در موارد زیر:

- طرح پیشنهادی اجرای سنگفرش در کف زاینده رود، در حد فاصل پل های سی وسه پل و پل خواجه و برپایی قایق سواری در این محدوده، در سالهای پیش از انقلاب.
- بمباران و موشک باران فاجعه بار شهرهایمان با سلاح های عراق متجاوز، از جمله در بافت تاریخی اصفهان و تخریب کنج جنوبی شبستان آل مظفر در مسجد جامع اصفهان و بازار مجاور و نیز بخش هایی از شهر بی مانند دزفول و...
- طرح تخریب بافت تاریخی پیرامون حرم مطهر رضوی در مشهد، پیش از انقلاب، که متأسفانه انجام شد.
- تهدید استاندار خراسان و نایب التولیه (وقت) آستان قدس رضوی مبنی بر کاشی شدن یا تخریب سه گنبد (دوگنبد مدرسه دوذر و گنبد پیر پاره دوز)، واقع در پیرامون بلافصل مجموعه حرم مطهر، که کاشیکاری آنها فرو ریخته بود، در فرصت بسیار کوتاه (یک ماه و نیم) داده شده، پیش از انقلاب، که نجات بخشی این گنبد ها انجام شد.
- تخریب یک سوم بافت تاریخی بوشهر، خاکبرداری تا عمق ۱۰ متر برای رسیدن به سطح آب خلیج فارس و ایجاد بندر (درسالهای دهه شصت).
- اجرای پروژه ساختمان جهان نما در میدان امام حسین (میدان شهرداری) اصفهان که منظر تاریخی و حفاظت شده میدان نقش جهان راتحت تأثیر قرار می داد.
- عبور مترو اصفهان از امتداد چهار باغ عباسی، که میراث فرهنگی مخالف بود و مسیر موازی و نزدیک به چهار باغ، یعنی خیابان شمس آبادی، در غرب چهار باغ را پیشنهاد می کرد. و جالب اینکه مشاور فرانسوی مترو اصفهان و چند نهاد تخصصی ذریبط نیز از منظر تکالیف خود، مسیر چهار باغ را درست نمیدانستند و بر مسیر شمس آبادی تأکید داشتند.
- مداخلات آسیب رسان در ارگ علیشاه، در تبریز و پیرامون آن.
- اجرای پروژه مرکز خرید، در مجاورت مجموعه بازار تبریز، حفاظت شده در سطح جهانی.
- برپایی اسکلت فلزی ناهنجار روی محوطه تاریخی که دکتر شیرازی طرح احیاء این محوطه را تهیه کرده بود، در برابر نمای اصلی مسجد کبود، این فیروزه اسلام.

- برپائی و ناتمام ماندن پایه های بتنی زمخت قطار "منوریل" در شهر کرمانشاه.
- ایجاد خیابان بسیج در بافت تاریخی یزد، با تخریب بافت و خانه های تاریخی و ...
- تخریب گسترده در بافت تاریخی کرمان.
- تخریب در بافت تاریخی کاشان.
- ایجاد آسیب منظری به نمای سردهنه آبراهه تاریخی داریون در شوشتر این اثر درخشان خشتی، و عاری از حیثیت کردن این آبراهه در بخش سرپوشیده و تخریب تعدادی تپه تاریخی در میان آب شوشتر.
- خیابان کشی از حرم تا حرم در بافت تاریخی شیراز.
- ادامه تخریب گسترده در بافت تاریخی شیراز.
- ...

این گونه اختلافات و چالش ها بخاطر عدم آشنایی و باور مسئولان نهاد های مختلف نسبت به اهمیت ارزشهای میراث فرهنگی و لزوم حفاظت از آنها است که متعلق به عموم شهروندان و نمایش توان، خلاقیت و اعتبار تمدنی مردمان کشورمان در طول تاریخ است.

در مواردی نیز موضوع مورد مناقشه، با تفاهم شخصیت ها و مسئولان سطح بالای مدیریتی، از دوطرف و باصطلاح متمدنانه، بخوبی و با نظر میراث فرهنگی به سامان می رسید. مورد برخورد بزرگراه کربلا، در استان کرمانشاه با تپه تاریخی "بید سرخ ۲" از این گونه چالش ها است. بزرگراه یاد شده گوشه این تپه را تراشیده بود که با اعتراض و اقدام معاونت حفظ و احیاء میراث فرهنگی، کار متوقف و با مذاکره جناب آقای مهندس بهشتی، ریاست وقت سازمان میراث فرهنگی با جناب آقای مهندس خرم وزیر وقت راه، فرصت تهیه و تصویب و ابلاغ محدوده عرصه و حریم اثر فراهم و امتداد بزرگراه با تغییر طرح، و با حرمت نهادن مسئولانه به اثر فرهنگی-تاریخی، از بیرون حریم امتداد یافت.

### در چه تاریخی بازنشسته شدید و پس از آن چه اشتغالاتی داشتید؟

بنده در سال ۱۳۸۳، باعنوان مدیر بناها، محوطه ها و بافت های تاریخی بازنشسته شدم. در دو سال بعدی، در دفتر امور پایگاه ها، با این دفتر همکاری داشتم. ضمناً در شورای فنی سازمان و دیگر شوراها و کمیته های فنی نیز دعوت می شدم. با توجه به سوابق و تجربیات کاری بدست آمده از دوران خدمت در سازمان ملی پیشین، و سازمان میراث فرهنگی، با مشارکت دوست و همکار دیرین، زنده یاد احمد کبیری، باستان شناس، یک موسسه مشاوره با موضوع مرمت و احیاء میراث فرهنگی غیر منقول تأسیس کردیم و تعدادی پروژه مربوط به این موضوع را به انجام رساندیم. تعدادی از این پروژه ها عبارتند از:

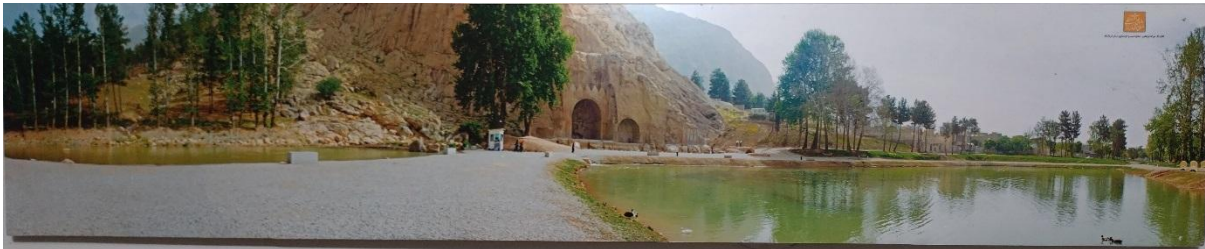
- طرح مرمت و احیاء "کاروانسرای آهوان آجری" در استان سمنان.
  - طرح مرمت و احیاء "خانه های شجاع لشکر" (لطفی) در دامغان.
  - طرح مرمت و احیاء و ساماندهی "قلعه دختر" واقع در درون شهر کرمان.
  - طرح مرمت و احیاء "سرا و آب انبار حاج آقا علی" در مجموعه بازار های کرمان.
  - طرح حفاظت "تزیینات دژ سام، در کوه خواجه" در سیستان.
  - طرح مطالعه مرمت و احیاء "منطقه تاریخی طاق بستان" در شهر کرمانشاه.
  - طرح ساماندهی گردشگری در محوطه تاریخی "شوش" در خوزستان.
  - طرح مرمت و احیاء "باغ سی و سه هکتاری" رامسر.
- کلیه این طرح ها در شورای فنی میراث فرهنگی مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. برخی از آنها به بایگانی سپرده شد، مانند طرح کاروانسرای آهوان آجری. برخی از طرح ها از جمله خانه های شجاع لشکر را در استان، جهت اجرا به پیمانکار سپردند. در مطالعات قلعه دختر، که یک مجموعه اثر خشتی است، به مدارک و یافته های جالب توجه و ارزشمند تاریخی و کالبدی دست یافتیم، از جمله همانندی و رابطه معماری دوران سامانیان در ورارود، با برخی بناهای استان کرمان و نیز شواهدی از تاریخ در هنگام سقوط کرمان بدست آقا محمد خان قاجار و نیز خشت های با ابعاد بزرگ به ضخامت ۱۷ سانتیمتر و... را بدست آوردیم.

مقاله ای معرفی کننده این پروژه را به کنفرانس بین المللی خشت خام (terra 2012) فرستادیم که با استقبال روبرو و باصطلاح با علامت عالی (excellent) پذیرفته و دعوت به حضور در کنفرانس شدیم که مسافرت به لیما پایتخت پرو میسر نگردید. پروژه مرمت و احیا سرا و آب انبار حاج آقا علی، شهر کرمان، در آغاز کارهای انجام شده، فعلاً متوقف است. پروژه کوه خواجه به بیراهه رفت و متوقف شد.

بخشی از پروژه ساماندهی گردشگری محوطه شوش با سلايق محلی اجرا گردید. طرح حفظ و احیاء منطقه تاریخی فوق العاده گسترده طاق بستان، بخاطر بزرگی و گستردگی آن، بصورت مشترک با مهندسين مشاور معماری و شهرسازی آنک که بخش مربوط به ساماندهی شهری را انجام می داد، تهیه شد.

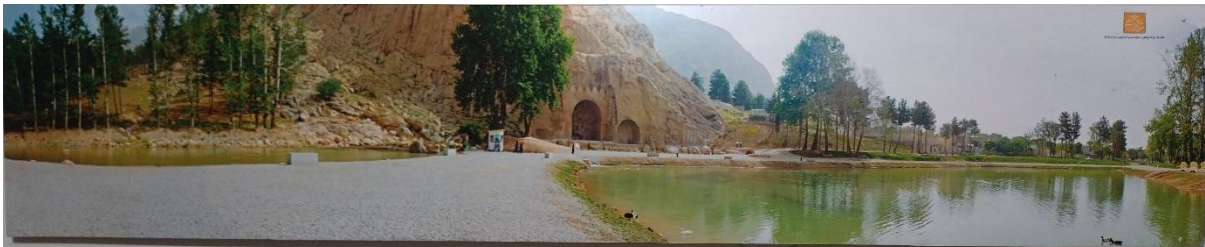
در این طرح محوطه های متعدد و گوناگون آن از دورانه های پیش از تاریخ تا همین چند دهه اخیر شناسائی گردید و الحاقات مخرب ارزشهای تاریخی آن حذف شد و محوطه بسیار محدود و محصور آن، که بصورت قفس حقیقی، بخش طاقهای شکوهمند و سراب بزرگ میانی، را در بر گرفته بود، با پیشنهاد ما و همکاری شهرداری کرمانشاه، ده ها هکتار گسترش یافت و شکوه منظری آن احیاء گردید.

بدین ترتیب آثار فرهنگی، تاریخی، طبیعی و زیست محیطی طاق بستان دارای " عرصه ای با مساحت حدود ۲/۵ کیلومتر مربع " و " حریمی با مساحت حدود ۶/۳ کیلومتر مربع " شد. ( به مساحت های غول آسای عرصه آثار بهم پیوسته در شمال شهر کرمانشاه و حریم آنها توجه فرمائید. صحبت از کیلومتر مربع است!!!).



منظر عمومی طاقها، کوهستان و سراب میانی پس از حذف الحاقات آسیب رسان به محیط تاریخی-اواخر دهه ۸۰ خورشیدی طرح این عرصه و حریم، به همراه ضوابط، مقررات و چگونگی رفتار های حفاظتی در آنها تهیه و با هماهنگی های لازم، در اداره کل ثبت و حریم، با اقدام دوست و همکار زنده یاد و ناکامان دکتر فرهاد نظری، مدیر کل (وقت) این اداره کل، تصویب گردید. در این پروژه علاوه بر همکارانمان در مشاور، نظر به اهمیت و حساسیت محوطه منطقه طاق بستان، از همکاریهای صمیمانه کارشناسان بلند پایه نیز بهره مند شدیم.

در مورد مطالعات و شناسائی ارزشهای پیش از تاریخ جناب آقای دکتر فریدون بیگلری، درمورد موسیقی در طاق بستان و تاریخ موسیقی در ایران جناب آقای بهروز وجدانی و مطالعات مربوط به حجاری در ایران و سنگ نگاری در طاق بستان جناب آقای سیامک اسکندری، همکاری های بسیار ارزنده ای بعمل آورده اند. بخشهایی از این پروژه، با فشار استانداری کرمانشاه و بدون نظارت های لازم با سرعت به اجرا درآمد و انتقادهای برخی را برانگیخت و با تأسف نیمه تمام رها شد.



ناگفته نماند که دوستان و سروران و کارشناسان برجسته ای که در فضای میراث فرهنگی سرزمینمان حضور دارند آراء گوناگونی از نادرست دانستن اقدامات انجام شده در محدوده مرکزی، تا تأیید و تحسین آن ابراز داشته اند. در گرماگرم ابراز نظرها، با پیشنهاد ما، مدیر کل (وقت) پژوهشکده باستان شناسی، جناب آقای دکترعباس مقدم، موافقت کردند که این پروژه در پژوهشگاه، جهت ملاحظه

صاحب نظران، معرفی گردد که متأسفانه با تغییر مدیریت این پژوهشکده، امکان پذیر نگردید. امیدوارم فضای مناسب نقد علمی (بقول فرنگی ها Critique) در همه زمینه های مربوط به میراث فرهنگی، در جهت فهم بیشتر و ارتقاء حفاظت از ارزشهای والای آن، فراهم گردد.

## برای درک ارزشهای و اهمیت میراث فرهنگی سرزمینمان در سطح جامعه و ارتقاء حفاظت عمومی از این ارزشها چه اقداماتی می تواند موثر باشد؟

به نظر این بنده ایجاد شناخت و فهم ارزشهای میراث فرهنگی سرزمینمان نزد شهروندان، از مهم ترین اقدامات ممکن برای ارتقاء حفاظت از ارزشهای بی شمار آنها است. از جمله اقدامات مورد نیاز در این زمینه و حرکت به سوی رسیدن به این هدف، موارد زیر بنظرمی رسد:

- آموزش ارزش های میراث فرهنگی (منقول، غیر منقول، معنوی و زنده) از ابتدائی ترین مراحل آموزش تا بالا ترین سطوح دانشگاهی، برحسب شرایط سنی دانش آموزان و دانشجویان.
- برگزاری دوره های آموزش میراث فرهنگی و اهمیت های آن، به مؤسسان و کارشناسان دستگاههای موثر در حفاظت از میراث فرهنگی، مانند قضاة دادگاهها و... سابقه موفق چنین دوره های آموزشی، در سازمان میراث فرهنگی، در دهه ۷۰ وجود دارد.
- برگزاری برنامه های بازدید دانش آموزان و دانشجویان از بناها و محوطه های تاریخی و ارائه توضیحات لازم و مناسب به آنان، با همکاری وزارت و پژوهشگاه میراث فرهنگی.
- برگزاری مسابقات عکاسی، فیلم سازی، انشا نویسی در مورد شناخت و معرفی میراث فرهنگی بین دانش آموزان ابتدائی تا پایان دبیرستان، و حتی دانشجویان و نیز شهروندان، با اهداء جوایز ارزنده به برندگان و معرفی کارهای موفق در رسانه ها.
- تهیه برنامه های جذاب درباره معرفی ارزشهای میراث فرهنگی در رسانه های دیداری، شنیداری و مطبوعات.
- هموار کردن بستر انواع اقدامات حفاظتی که بصورت خود جوش از سوی شهروندان، در مورد بناها و محوطه های تاریخی بعمل آورده می شود.

از آنجا که قوانین، مقررات، آئین نامه ها و مصوبات فوق العاده مسئولانه و با ارزش های حفاظتی اکیدی، در مورد میراث فرهنگی، در کشورمان وجود دارد و بیشترین و مهم ترین آنها مربوط به دوران پس از انقلاب اسلامی است و با دریغ مورد توجه و پیگیری و اجراء آنها نیستیم، پیشنهاد می شود مقام عالی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، قوانین، مقررات و آئین نامه های زیر را به وزارتها، دستگاه ها و نهاد های مربوطه، یاد آوری و بر اجرای آنها تأکید فرمایند.

- قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی،
- مواردی از قانون مجازات اسلامی،
- قانون و نیز آئین نامه مربوط به دستگاه های فلز یاب،
- مصوبه هیأت وزیران مربوط به انجام پژوهش، پیش از اجرای پروژه های بزرگ عمرانی،
- مصوبه هیأت وزیران در خصوص آمایش سرزمین،
- آئین نامه حفاظت از میراث فرهنگی، مصوب شورای امنیت ملی،
- بخش نامه ضرورت استعلام از میراث فرهنگی قبل از آغاز اجرای طرحهای عمرانی،
- کنوانسیون های بین المللی ذیربط که کشورمان عضو رسمی آنهاست، بویژه کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه و ضمائ آن، که بخاطر توصیه ها و دستورالعملهای مهم حفاظتی در شرایط بحرانی، از اهمیت بالایی برخوردار است،

کمیته علمی استادکاران و فناوری های کهن برای اجازه انتشار این مصاحبه از جناب آقای دکتر حمید فدایی، سردبیر محترم نشریه مرمت، تشکر می کند.